

بزم سکونت استاد

۱۴۲۳۳۳۹

# اسماعیلیه بدخشان

نوشته

دکتر مریم معزی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشکده تاریخ اسلام

## اسماعیلیه بدخشان

تألیف: دکتر مریم معزی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیرنشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۵۹

۱۷۰۰۰ تومان

کتابخانه حقوقی برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر، خیابان شهید اسبهر، خیابان رستگاران، شهرز شرقی، شماره ۹

تلفن ۳-۸۸۶۷۰۴۱، شماره: ۸۸۶۷۶۸۶۰

web: www.kte.ac.ir

|                      |                                                             |
|----------------------|-------------------------------------------------------------|
| سرشناسه:             | معزی، مریم، ۱۳۳۷ -                                          |
| عنوان و نام پدیدآور: | اسماعیلیه بدخشان / نوشته: مریم معزی.                        |
| مشخصات نشر:          | تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.                          |
| مشخصات ظاهری:        | ۲۸۰ ص: نمودار.                                              |
| شابک:                | 978-600-7398-31-9                                           |
| وضعیت فهرست‌نویسی:   | فیا                                                         |
| یادداشت:             | کتابنامه: ص. [۲۳۱] - ۲۵۱؛ همچنین به صورت ریزنویس.           |
| یادداشت:             | نمایه.                                                      |
| موضوع:               | اسماعیلیه -- تاجیکستان -- کوهستان بدخشان -- تاریخ           |
| موضوع:               | Ismailites -- Tajikistan -- Kuhistani Badakhshon -- History |
| موضوع:               | اسماعیلیه -- تاجیکستان -- بدخشان -- تاریخ                   |
| موضوع:               | اسماعیلیه -- افغانستان -- بدخشان -- تاریخ                   |
| موضوع:               | Ismailites-- Afghanistan-- Badakhshan -- History            |
| موضوع:               | اسماعیلیه -- تاریخ                                          |
| موضوع:               | Ismailites -- History                                       |
| موضوع:               | بدخشان (افغانستان)                                          |
| موضوع:               | Badakhshan (Afghanistan)                                    |
| موضوع:               | بدخشان (تاجیکستان)                                          |
| موضوع:               | Kuhistani Badakhshan (Tajikistan)                           |
| رده‌بندی کنگره:      | DS۲۲۴/۴م۷ ۱۳۹۵                                              |
| رده‌بندی دیویی:      | ۹۵۸/۱                                                       |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۳۲۹۳۹۴۴                                                     |

## سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بی‌بکر، فرهنگ، و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدهنده است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه، هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف منابع اصیل و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش های گوناگون دنبال می شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه های همچون تشکیل کارگاه های تخصصی، نشست های علمی تخصصی و حمایت از پروژه های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد. کفایت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم اکنون با داشتن گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخ جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در رشته جغرافیا، گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در دسترس قرار داده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می کند. این پایگاه، علاوه بر تسهیل دسترسی به فعالیت های این مرکز علمی، بازتاب دهنده فعالیت های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه جانبه، که انعکاس دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می کنم.

سیدهادی خامنه ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

# فهرست مطالب

|    |                                                 |
|----|-------------------------------------------------|
| ۱۳ | مقدمه                                           |
| ۴۳ | فصل یکم: سرزمین بدخشان                          |
| ۴۳ | نام بدخشان                                      |
| ۴۶ | سیمای طبیعی بدخشان                              |
| ۵۴ | سیمای انسانی بدخشان                             |
| ۶۰ | سیمای اقتصادی بدخشان                            |
| ۶۷ | فصل دوم: از اسلام تا اسماعیلیه نخستین در بدخشان |
| ۶۷ | ورود اسلام و تشیع                               |
| ۷۳ | مخمسه                                           |
| ۸۳ | دیگر غالبان                                     |
| ۸۶ | اسماعیلیه نخستین                                |
| ۹۳ | فصل سوم: آثار آیین‌های پیش از اسلام             |
| ۹۴ | تقدس پنج در منطقه                               |
| ۹۷ | آیین‌های ایرانی                                 |

|     |                     |
|-----|---------------------|
| ۹۹  | آیین سکاکیان باستان |
| ۱۰۳ | آیین بودا           |
| ۱۰۹ | آیین‌های شمال هند   |

#### فصل چهارم: اسماعیلیه فاطمی در بدخشان

|     |                      |
|-----|----------------------|
| ۱۱۵ | ناصر خسرو            |
| ۱۱۷ | آموزش‌های ناصر خسرو  |
| ۱۲۴ | زمینه‌های پذیرش مردم |

#### فصل پنجم: نزاریان در بدخشان

|     |              |
|-----|--------------|
| ۱۳۹ | پناهجویان    |
| ۱۴۴ | انشقاق       |
| ۱۴۸ | شاهان بدخشان |

#### فصل ششم: محمدشاهیان در بدخشان

|     |                 |
|-----|-----------------|
| ۱۵۹ | امامان محمدشاهی |
| ۱۵۹ | قلندران         |
| ۱۶۴ | شاهان شغنان     |
| ۱۶۹ | میران بدخشان    |

#### فصل هفتم: باورهای مذهبی در بدخشان

|     |                  |
|-----|------------------|
| ۱۷۹ | مذهب شاهان شغنان |
| ۱۷۹ | مذهب مردم شغنان  |
| ۱۸۷ | تصوف             |

#### فصل هشتم: قاسم‌شاهیان در بدخشان

|     |                  |
|-----|------------------|
| ۲۰۳ | امامان قاسم‌شاهی |
|-----|------------------|

|     |                       |
|-----|-----------------------|
| ۲۰۸ | دوران‌های فترت و حضور |
| ۲۱۲ | سلسله مراتب دعوت      |
| ۲۱۷ | تعلیم                 |
| ۲۲۰ | آداب و رسوم           |
| ۲۲۷ | نتیجه                 |
| ۲۳۱ | کتاب‌نامه             |
| ۲۵۳ | پیوست‌ها              |
| ۲۶۲ | نمایه                 |

اسماعیلیه، شاخه‌ای از تشیع، در نیمهٔ قرن دوم/هشتم در جنوب بین‌النهرین شکل گرفت، در روزگارانی نامدار به بدخشان رسید، اما بدخشان سرزمینی با کوه‌های سر بر آسمان ساییده، گذرگاه‌های باریک و دشوارگذر، زمستان‌های بسیار سرد و دراز، یخبندان‌های نه ماهه، زمین‌های اندک برای کشت و کار، در دوردست‌های شرق ایران، در گره‌گاه تمدن‌های بزرگ آسیا: چین، هند، ایران و آسیای مرکزی، با خاستگاه این مذهب تفاوت بسیار داشت. مذهب اسماعیلیه‌ای که در بدخشان رشد یافت با آنچه در دیگر مناطق به وجود آمد متفاوت شد. بررسی تاریخ اسماعیلیهٔ بدخشان از آن جهت که منجر به شناخت این تفاوت‌ها و علل آن‌ها بشود دستمایهٔ کلی حاضر گردید. باور داشتن به تأثیر فرهنگ‌های مجاور بر یک‌دیگر در درازای تاریخ و باستان‌نگاشتن هیچ فرهنگی بنیاد این پرسش‌ها گردید که:

- ۱- مذهب اسماعیلیه چه زمانی و از چه طریقی به بدخشان وارد گردید؟
- ۲- آیا مذهب اسماعیلیه‌ای که در بدخشان رشد یافت از ادیان و مذاهب بومی یا رایج در تمدن‌های مجاور تأثیر پذیرفت؟
- ۳- آیا اشخاص و دیگر مذاهب رانده‌شده‌ای که در طول این مدت به بدخشان پناه بردند در مذهب اسماعیلیهٔ این دیار اثر گذاردند؟
- ۴- ارتباط بدخشان چه زمانی و چگونه با نزاریان و شاخه‌های آن برقرار شد؟

۵- اسماعیلیان بدخشان چگونه توانستند در طول سالیان دراز ارتباط خود را با امامانشان حفظ کنند؟

نخستین جست‌وجوها این فرضیه را مطرح کرد که مذهب اسماعیلیه پس از پای نهادن به بدخشان به نوعی با باورهای بومی این دیار تطبیق یافته است. در آغاز گمان می‌رفت که بیش‌ترین تأثیر را آیین بودا بر مذهب اسماعیلیه بدخشان گذاشته باشد. آیینی که در منابع به آن اشاره‌هایی شده و آثاری تا به امروز در نواحی مجاور آن باقی مانده است، اما فرضیه‌ای بود که در پایان تأیید نگردید.

در این کار از روش تحقیق تاریخی استفاده شد که بر بنیاد گردآوری، دسته‌بندی، تنظیم، نقد، تعلیل و تحلیل یافته‌ها استوار است. همچنین از تاریخ شفاهی و پژوهش میدانی، آن گونه که در علم تاریخ مطرح است، یعنی حضور در منطقه به منظور گردآوری اسناد، مدارک و شواهد، مشاهده و - با حواس - استفاده شد و کوشش گردید تا به پرسش‌های بالا پاسخ داده شود. این نکته را نیز باید افزود که کتاب حاضر در سال ۱۳۸۰ خ/ ۲۰۰۲ به عنوان رساله دکتری برای ارائه به دانشگاه تهران تسلیم شد و حضور در منطقه و مطالعه میدانی همگی مربوط به سال‌های پیش از تاریخ فوق‌مذکور است. اما بعدها که ناشر محترم تمایل خود را برای چاپ آن اعلام کرد در سال ۱۳۸۸/ ۱۰، دست‌هایی از آن بازنویسی شد.

دشواری‌های این کار را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخست مشکلاتی که در راه دسترسی به منابع دست‌نوشته‌های موجود در بدخشان با به دست آمده از این دیار وجود دارد، زیرا علیرغم کشف آثار بسیاری از بدخشان در قرن گذشته و اهدای آن‌ها به کتابخانه‌های متعدد در اتحاد جماهیر شوروی، در زمان مراجعه نگارنده به کتابخانه‌های یادشده اطلاعی از آن‌ها در دست نبود. در حالی که «وجود آن‌ها در آکادمی علوم تاجیکستان داده شده بود»، جز تعداد کمی از نسخه‌های عکسی چیزی در آنجا یافت نشد، اما جای خوش‌وقتی است که کار کتابت آثار خطی در بدخشان متوقف نشده و تا به امروز ادامه یافته است. بنابراین بسیاری از آن کتاب‌ها و رساله‌ها را می‌توان با کثابت جدیدتری در همان سرزمین به دست آورد. کوشش‌های مسئولان پژوهشگاه جدیدالتأسیس علوم انسانی خاروغ در گردآوری نسخه‌های عکسی از این متون تا حدودی

کار را آسان تر کرده است. اگرچه کار گردآوری این آثار هنوز در نخستین مراحل است و بسیاری از کتاب‌ها، رساله‌ها و بیاض‌هایی را که هم‌اکنون در دست اهالی وجود دارد شامل نمی‌شود و شیوه نگه‌داری آن هم فاقد شماره ثبت و حتی نظم و ترتیب لازم و در نتیجه دسترسی آسان است، با وجود این‌ها همین کارهای گردآوری شده رنج سفرهای پرهزینه و به راستی دشوار و گاه حتی غیرممکن را - در پاره‌ای از فصول سال - به روستاهای این سرزمین می‌کاهد.

دومین گروه از مشکلات پژوهش درباره بدخشان مربوط به دشواری‌های سفر بدان جاست. به دور کلی سفر به بدخشان - اعم از بدخشان افغانستان و تاجیکستان - فقط در ماه‌های گرم امکان پذیر است. در این میان بدخشان افغانستان در تاریخی که این کار در مراحل پژوهشی - ود بود - جهت خطری که پیوسته از سوی گروه طالبان مستقر در استان‌های مجاور آن احساس می‌شد، آن قدر برای یک زن مسلمان ایرانی که به تنهایی سفر می‌کرد دور از دسترس می‌بود که به دلیل توصیه‌های اکید مسئولان وزارت امور خارجه ایران حتی برای اخذ روادید نیز اقدامی نکرد. تساهلی که پس از حضور در بدخشان تاجیکستان و مشاهده رفت و آمد بسیار محدود اما در هر حال مقدور میان این دو منطقه موجب تأسف بسیار گردید. در حالی که سفر بدخشان تاجیکستان نیز، علاوه بر نیاز به گرفتن روادید آن کشور، مستلزم اجازه مخصوص نهادهای خارجیانی که حتی برای خود تاجیکان، نیز هست که زمان زیادی را در مرکز این جمهوری تلف می‌کند. در حالی که اقامت طولانی برای یک پژوهشگر در این کشور نیز نیازمند گرفتن پذیرش از یکی از مراکز علمی آن کشور بود که روی هم رفته سبب گذراندن وقت بسیار زیادی و در آخر نیز با یاری‌های بسیار خود اسماعیلیان بدخشان مرتفع گردید. هرچند که به روستاهای بدخشان به علت کمبود شدید سوخت و نبود وسایل نقلیه عمومی از این هم دشوارتر بود.

سومین دشواری این پژوهش به زبان روسی برمی‌گردد که تقریباً همه پژوهش‌های انجام شده در سراسر سرزمین‌هایی که روزگاری تحت اداره اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته به این زبان صورت گرفته است. برای استفاده از این منابع یادگیری زبان روسی ضرورت دارد. خوشبختانه پاره‌ای از این پژوهش‌ها از زبان روسی با حفظ خط کرلیک به زبان فارسی تاجیکی برگردانده شده است. مشکل دیگر این است که به ندرت آثار

پژوهشگران روس یا سایر ملت‌هایی که به زبان روسی تحقیقات خود را ارائه داده‌اند در کتاب‌خانه‌های ایران یافت می‌شد. تهیه نسخه‌ای از آن کتاب‌ها، به خصوص مقاله‌های منتشر شده در مجلات علمی، حتی در شهر دوشنبه نیز دشوار بود و به علت کمبود دستگاه‌های تکثیر و لوازم مورد نیاز آن، در زمانی که نگارنده در بدخشان به سر می‌برد، تهیه نسخه‌ای عکسی از کتاب‌های مورد نیاز در شمار آرزو باقی ماند. از این روی زمان زیادی صرف یادداشت‌برداری از آن‌ها گردید.

دشوارهای بالا سبب شده است تا به ندرت کسی در خارج از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی به تحقیق درباره بدخشان و مذهب اسماعیلیان این دیار بپردازد. در حالی که بدخشان در اواخر قرن سیزدهم/نوزدهم بود که به علت بسط قدرت دو دولت استعماری روس و انگلیس مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. از این روی نخستین پژوهش‌ها نیز درباره وضعیت جغرافیایی و راه‌های این دیار صورت گرفت.<sup>۱</sup> در سال ۱۸۷۸/۱۲۹۵ پژوهشگران روس بدین دیار پایا<sup>۲</sup> بادند. هدف از این سفرها تعیین ارزش منطقه و مشخص نمودن راه‌های آن بود. هدف در سرانجام در سال ۱۸۹۵/۱۳۱۳ به تقسیم این سرزمین ظاهراً میان حکومت افغانستان و ایران منتهی شد، اما به واقع میان روس و انگلیس منجر گردید.<sup>۳</sup> به دنبال این احراز مالکیت، پژوهشگران روس بیش‌تری بدین دیار پای نهادند. از آن جمله بابرینسکی<sup>۴</sup> در سال ۱۳۱۶/۱۸۹۸ از بدخشان دیدار کرد و با پیران این دیار به مصاحبه پرداخت.<sup>۵</sup> در سال ۱۳۰۲/۱۹۰۲ پژوهشگر دیگر روس، پالاتسوف<sup>۶</sup>، موفق به کشف مقدس‌ترین کتاب اسماعیلیان این دیار یعنی «ام‌الکتاب» گردید.<sup>۷</sup> ا.ا. سیمیونوف<sup>۸</sup> (متوفی ۱۳۳۷ خ/۱۹۵۸) نیز در سال ۱۳۰۹/۱۹۰۱ سفری به بدخشان تاجیکستان کرد و پس از آن به چاپ مقاله‌ای درباره مردم بدخشان و حتی آن

۱ هنری موزر، سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلشن (تهران: سحر، ۲۵۳۶)، ص ۸.

۲ و. بارتولد، گزیده مقالات تحقیقی بارتولد، ترجمه کریم کشاورز (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱)، ص ۳۳۰.

۳ A. Krausse, *Russian in Asia, A Record and Study: 1558 - 1899* (London, Grant Richards, 1899), pp. 243 - 4, 306; H. Rawlinson, *England and Russia in the East* (Karachi, Indus Publication, 1980), pp. 308 - 313.

۴ Bābrinskī.

۵ مصاحبه‌های بابرینسکی با پیران پامیر در کار زیر گردآوری شده است:

А.Бобринский, 'Выдержки из бесед А.Бобринского с Пирами Памира', *Пограничники и Жители Памира* (Душанбе, 1995), СТР, 103 - 132.

۶ Pālāvtsuf.

۷ W. Ivanow, «Ummu'l - Kitab», *Der Islam*, 23 (1936), pp. 1 - 132.

۸ A.A. Simiunuf.

را به صورت کتاب کوچکی نیز جداگانه به چاپ رساند. همین نویسنده که وی را باید پیش‌تاز مطالعات اسماعیلیه بدخشان نامید در سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ پژوهش دیگری دربارهٔ ساکنان رود پنج انجام داد و در سال ۱۳۳۱/۱۹۱۲ نتایج آن را دربارهٔ مذهب اسماعیلی اهالی شغنان به رشتهٔ تحریر درآورد.<sup>۱</sup> در حالی که و. بارتولد<sup>۲</sup> دو سال پیش از آن (۱۳۲۸/۱۹۱۰) مقاله‌ای تحت نام بدخشان برای یک دایرةالمعارف غربی نوشت<sup>۳</sup> که هنوز نیز با وجود قدیمی بودن آن مورد ارجاع پژوهشگران قرار دارد. زروبین<sup>۴</sup> زبان‌شناس روس، با حضور در منطقه به سال ۱۳۳۱/۱۹۱۲ توانست مجموعهٔ کوچکی از نوشته‌های اسماعیلی به دست آورد و آن‌ها را در سال ۱۳۳۵/۱۹۱۶ به موزه آسیایی آکادمی علوم سن پترزبورگ اهدا کند.<sup>۵</sup> کار وی را سیمونوف با ارائهٔ مجموعهٔ دیگری از دست‌نوشته‌های اسماعیلی در سال ۱۳۳۷/۱۹۱۸ دنبال کرد. در حالی که در همین سال‌ها (۱۳۳۱/۱۹۱۴) که حیدر میرزا شغنانی تاریخ محلی خود را نگاشت و سیمونوف آن را با افزودن حواشی و تعلیقات به سال ۱۳۳۶/۱۹۱۷ به زبان روسی ترجمه و در مسکو منتشر کرد.<sup>۶</sup> با این کار وی هنوز در مقایسه با آنچه ابوانف بعدها انجام انجام داد بسیار ناچیز بود. ابوانف موفق شد که نسخه‌های بیش‌تری را از مناطق مجاور مانند بدخشان افغانستان، چترال، هنزه و سایر مناطق دیگر به دست آورد سپس آن‌ها را به سال ۱۳۱۲ خ/۱۹۳۳ در کنار سایر آثار اسماعیلیه به صورت کتاب‌شناسی معرفی کند.<sup>۷</sup> به دنبال چنین کارهایی بود که انستیتوی خلق‌ها، آکادمی علوم شوروی و انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان بر آن شدند که به گردآوری کلیهٔ نسخ خطی موجود در بدخشان تاجیکستان اقدام کنند. بدین ترتیب طی سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۳۸ خ/

۱. ب. ی. اسکندروف، «مقدمه» (به زبان روسی) بر کتاب: قربان محمدزاده و محبت شاهزاده، تألیف محمد غن، به کوشش آ. یگانه (مسکو، دانش، ۱۹۷۳)، ص ۹ - ۸.

۲. W. Barthold.

۳. W. Barthold, «Badakhshān», *EI*, 2nd. ed. vol. I, pp. 851 - 5.

۴. Zarubin.

۵. آ. برتلس و م. و. بقایف، فهرست نسخه‌های خطی موجود در ولایت بدخشان تاجیکستان، ترجمه ق. ب. ایلیجی بیگ و

س. ا. شاه خماروف (قم، انتشارات آیت‌الله مرعشی، ۱۳۷۶)، ص ۸ - ۷.

۶. A. A. Семенов, *История Шугнана*, с Персидкого Персвел и Примечаниями Снадбил А. А. Семенов, - Пткла год, XXI (1917), стр. 1-123

۷. Chitrāl.

۸. Hunza.

۹. W. Ivanow, *A Guide to Ismaili Literature* (London, Royal Asiatic Society, 1933).

۱۹۶۳ - ۱۹۵۹ هیتی که ابتدا به سرپرستی برتلس<sup>۱</sup>، اسماعیلیه‌شناس برجسته روس، و سپس به سرپرستی محمد وفا بقایوف تشکیل شده بود توانست تعداد زیادی - بیش از یک صد و هشتاد - نسخه دست‌نویس از بدخشان را گردآوری و از آنها عکس‌برداری کند. سپس آگاهی‌هایی درباره این نسخه‌ها در فهرستی که تهیه شد منتشر گردید.<sup>۲</sup> در پی کشف این نسخه‌های جدید بود که بار دیگر ایوانف ناگزیر به تجدید نظر در فهرست کتاب‌شناسی خود گردید و آنچه را در این مدت خودش نیز از هند، ایران و سوریه به دست آورده بود بر آنها افزود و به چاپ کتاب دیگری در همین زمینه به سال ۱۳۴۱ خ/ ۱۹۶۳ م. اقدام کرد.<sup>۳</sup> این کتاب علیرغم قدیمی بودن هنوز مورد رجوع پژوهشگران است. ایوانف، که چند ماهی پس از انقلاب اکتبر (۱۳۳۷/۱۹۱۸) روسیه را ترک کرده بود سال‌های ۱۳۳۸ - ۲۹۹ خ/ ۱۹۵۹ - ۱۹۲۰ را در هند گذراند. وی در شهر کلکته با انجمن آسیایی بنده به همکاری پرداخت. سپس به بمبئی رفت و با کوشش اسماعیلیان آن دیار مؤسسه تحقیقات اسلام را بنیان گذارد. وی در تأسیس جامعه اسماعیلی<sup>۴</sup> در ۱۳۲۵ خ/ ۱۹۴۶ در همین شهر نقش‌زایی داشت. با کمک این مؤسسه‌ها ایوانف موفق به انتشار آثار اسماعیلی به دست‌آمور بدخشان، ایران و هند گردید.<sup>۵</sup> به جز دو کتاب ارزشمند وی درباره کتاب‌شناسی اسماعیلیه به معرفی شد و مقدمه‌هایی که بر کتاب‌های اسماعیلی به زبان انگلیسی نوشت، باید از مقاله وی<sup>۶</sup> که درباره فرقه مؤمن شاهی خبر داده بود یاد کرد. وی با استفاده از کتاب محب علی قندوزی<sup>۷</sup>، دست‌آمور بدخشان و سایر روایات گردآوری‌شده، به احیای این شاخه فراموش‌شده پرداخت، اما چون پس از از خروج از روسیه هرگز به آنجا بازنگشت، از یافته‌های جدید بی‌بلاع ماند و در دهه آخر زندگانی خود که در ایران به سربرد (۱۳۴۹ - ۱۳۳۸ خ/ ۱۹۵۹ - ۱۹۱۰) بیش‌تر تلاش خود را بر روی نزاریان ایران صرف کرد و از بدخشان دیگر چیزی ننوشت. ایوانف

1 Birtlis.

۲ برتلس - بقایوف، فهرست نسخه‌های خطی بدخشان، ص ۹ - ۸.

3 W. Ivanow, *Ismaili Literature* (Tehran, Tehran University, 1963).

4 Asiatic Society of Bengal.

5 Islamic Research Association.

6 Ismaili Society.

7 F. Daftary, «Bibliography of the Publications of the late W. Ivanow», *Ilm*, no. 4 (1977), pp. 35 - 6.

8 W. Ivanow, «A Forgotten Branch of Ismailies», *JRAS*, I (1930), pp. 57 - 79.

را بدون تردید باید پدر مطالعات اسماعیلیه نزاری دانست. چاپ «ام‌الکتاب» و مطالبی که دربارهٔ این کتاب نوشت فرصتی به وی داد تا دربارهٔ اسماعیلیان بدخشان و چگونگی یافته شدن این کتاب در نزد آن‌ها به اظهار نظرهایی بپردازد.<sup>۱</sup> ایوانف اگرچه از ارتباط میان مخمسه و مطالب «ام‌الکتاب» کاملاً آگاهی داشت، اما ظاهراً هرگز به ابقای پیروان مخمسه در میان ساکنان این دیار پی نبرد و با وجود این که ظاهراً به بدخشان نیز سفر کرده بود، متوجه پاره‌ای از باورهای ناهماهنگ آن‌ها با سایر اسماعیلیان نشد، تا به ریشه‌یابی آن بپردازد. علت این امر را باید در این دانست که وی در آغاز کار که آغاز آشنایی او با بدخشان نیز بود یک زبان‌شناس زبان‌های ایرانی به شمار می‌رفت. تنها پس از استخدام در حوزهٔ آسیای اکادمی علوم روسیه در سن پترزبورگ بود که با ادبیات اسماعیلی آشنا شد. دوران کار کردن وی در آن‌جا نیز ظاهراً چندان طولانی نبود و به نظر می‌رسد که حداکثر از چهار سال تجاوز نکرد، زیرا وی پس از بازگشت از سفر نخست خود به ایران (۱۳۳۲ - ۱۳۳۱/۱۲، ۱۳) در آن موزه به کار مشغول شد و چند ماه پس از انقلاب اکتبر نیز روسیه را برای همست ترک گفت.<sup>۲</sup> بدین ترتیب وی مجال آن را نیافت تا با دیدی گسترده به آداب و باورهای اسماعیلیان بدخشان بپردازد.

در زمینهٔ تألیف کتاب‌شناسی اسماعیلیه بعد از دنبالهٔ کار ایوانف را پوناوالا گرفت که به سال ۱۳۵۵ خ/ ۱۹۷۷ کاری در خور ستایش انجام داد.<sup>۳</sup> ما ظاهراً نویسنده دسترسی مستقیمی به نسخه‌های خطی بدخشان نداشته و عمدتاً در این مورد به تکرار سخنان ایوانف پرداخته است. از این روی برای بدخشان قابل رجوع نیست و در این کار نیز به ندرت مورد ارجاع قرار گرفت، اما کارهای بارتولد، با وجود قدیمی بودن آن‌ها، جهت استفادهٔ فراگیر از متون و آخرین دستاوردهای علمی روزگار خود و به‌خصوص دقت بارتولد، هنوز قابل استفاده است.<sup>۴</sup> در حالی که کارهای دیگر وی نیز که بعدها به صورت مجموعه آثار

1. Idem, *Guide*, pp. 99, 113; Idem, *Ismaili literature*, pp. 193 - 5;

و. ایوانف، «ناصر خسرو و اسماعیلیان»، *اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۳)، ۹ - ۴۳۸.

2. Daftari, «Bibliography», p. 36.

3. I.K. Poonawala, *Bibliography of Ismaili Literature* (Malibu, California, 1977).

۴. غیر از کارهایی که از آن یاد شد، باید از کتاب زیر نیز نام برد: وبارتولد، گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی، ترجمهٔ مریم جبه‌داری (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹).

درآمد و گزیده‌های از آن نیز به فارسی ترجمه و منتشر گردید قابل ذکر است.<sup>۱</sup>

در زمینه تاریخ بدخشان کار بهادر اسکندروف<sup>۲</sup> که در آن علاوه بر مدارک و اسناد تاریخی از یافته‌های زبان‌شناسی و باستان‌شناسی و مطالب کتیبه‌ها نیز استفاده کرده از پژوهش‌های نسبتاً جدید در این زمینه محسوب می‌شود. شجره‌نامه‌ای که قدرت بیگ ایلچی بیکف از شاهان شغنان ترسیم کرده<sup>۳</sup> نیز مورد استفاده این کار قرار گرفته است، ولی در واقع کار وی متکی بر همان تاریخ بدخشان بهادر اسکندروف بوده است. محمد نظرف نیز تحقیقاتی پیرامون معماری خاص خانه‌های پامیری انجام داده است<sup>۴</sup>، اما وی ظاهراً متوجه راه‌های از نکات حائز اهمیت در این مورد نشده یا به جهات دیگر و شاید رعایت چارچوب تاریخی و تاریخ‌نگری مرسوم در اتحاد جماهیر شوروی نخواست است. پژوهش‌های آن‌ها را بی‌گیری کند، در نتیجه به نتایج مطابق با واقع نیز نرسیده است. پژوهش‌های برتلس درباره اسماییان<sup>۵</sup>، اگرچه قدیمی محسوب می‌شود، اما به جهت دقت و رعایت جانب احتیاط هنوز قابل استفاده است. در حالی که از جهت زبان‌شناسی از ارانسکی<sup>۶</sup> و از نظر باستان‌شناسی از ایتسکی<sup>۷</sup> به عنوان نویسندگان روسی‌نویس می‌توان یاد یاد کرد که کارهای بالارزشی ارائه داده‌اند. کتاب تاجیکان باباجان غفوروف<sup>۸</sup> نیز کمابیش به تاریخ بدخشان اشاره‌هایی کرده است. درباره آب و رسوم مردم بدخشان در سال‌های پس از فروپاشی شوروی یکی دو مقاله به زبان روسی در ایران به چاپ رسیده است که اگرچه گاه حتی فاقد نام نویسنده بوده و در مجلات معتبری نیز به چاپ نرسیده‌اند، اما آن‌گونه که از مطالعه آن‌ها می‌توان دریافت نویسندگان محققان یا از تحقیقات بالارزش

۱. یارتولد، گزیده مقالات تحقیقی.

۲. Б.И. Искандаров, *История Памира*, Хоруг, 1995.

۳. К. Элчибеков, 'Генеология Шугнанских Правителей: 18-19 вв', *Памироведение* (Душанбе, 1984), выпуск 1, стр. 55-60.

۴. М. Х. Мамад Назаров, 'Видоизменение Горно-Бадахшанского Жилища в Зависимости от его Местонахождения', *Памироведение* (Душанбе, 1986), выпуск II, стр. 174 - 182.

۵. ا.ی. برتلس، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه ی. آرین پور (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶).

۶. ای. م. ارانسکی، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز (تهران، پیام، ۱۳۵۸)؛ همان نویسنده، زبان‌های ایران، ترجمه علی‌اشرف صادقی (تهران، سخن، ۱۳۷۸).

۷. ام. بلنیتسکی، خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)، ترجمه پرویز ورجاوند (تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۴).

۸. باباجان غفوروف تاجیکان، ویراسته احرار مختاروف (دوشنبه، عرفان، ۱۹۹۷)، دو جلد در یک مجلد.

روسی ترجمه کرده‌اند.<sup>۱</sup> این کارها را باید با همین دید نگاه کرد.

پژوهش‌هایی که درون مرزهای اتحاد جماهیر شوروی انجام می‌شد نمی‌توانست از چارچوب تعیین‌شده از سوی سیاستمداران روسیه به دور باشد. آن‌ها ناگزیر بودند که تاریخ شغنان و بدخشان را نیز در همان قالب از پیش ساخته شده مارکسیسم بررسی کنند و دربارهٔ مذهب اسماعیلیه بدخشان نیز همان گونه داوری کنند که از پیش این مکتب دربارهٔ تمامی ادیان و مذاهب داوری کرده بود، اما دربارهٔ ریشه‌یابی عقاید و باورهای آنان ظاهراً یکی به همین جهت ساده‌انگاری و دیگر برای رعایت سیاست منطقه‌ای اتحاد جماهیر شوروی و ترس از گرایش ناهیکان به ایران کاری صورت نگرفت. آن‌چه از کارهای پژوهشی سردمداران شرق‌شناسی شوروی برمی‌آید و نمونهٔ کامل آن باباجان غفوروف (رئیس شرق‌شناسی اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۳۳۴ خ/ ۱۹۵۶ تا پایان عمر او ۱۳۵۵ خ/ ۱۹۷۷)<sup>۲</sup> است، سیاست منطقه‌ای در نفی پیوند میان تاجیکان قلمرو شوروی با ایرانیان و افغانیان تا سرحد امکان بوده است. بنا بر این به نظر می‌رسد که چنین تنگ‌نظری‌هایی بود که سبب شد پژوهشگران این مناطق ریشه‌یابی باورهای اسماعیلیان بدخشان، به گونه‌ای که منجر به شناخت ارتباط‌های فرهنگی با ایران و ایرانیان شود، نپردازند.

عمده‌ترین کار پژوهشگران روسی دربارهٔ اسماعیلیه پیرامون ناصر خسرو و کتاب‌های او دور می‌زد که اوج آن را می‌توان در کارهای برتلس دید. این وضعیت تا پایان حکومت اتحاد جماهیر شوروی دوام آورد. اوضاع ناآرام پس از فروپاشی شوروی نیز مجال زیادی برای این کار فراهم نکرد. با وجود این مرحوم ابوسعید شاه خماروف یکی از نویسندگان اسماعیلی همین دیار، کاری شتاب‌زده در این زمینه نوشت<sup>۳</sup> و برخی از آثار و باورهای این مردمان را با مذهب زرتشتی و باورهای آریایی‌های پیش از زرتشتی<sup>۴</sup> و با ذوق و

۱ از آن جمله: بی‌نام، «سنت‌ها و رسوم مذهبی اسماعیلیان بدخشان»، چشم‌انداز، شماره ۱۱ (۱۳۷۶)، ص ۴۳ - ۳۵؛ سید مهدی حسینی اسفندواجانی، «آقاخان و اسماعیلیه بدخشان تاجیکستان»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵ (۱۳۷۳)، ص ۶۷ - ۴۹؛ عبدالحمید عاطف، «بدخشان: مراسم عنعوی و بازی‌های محلی آن»، فولکلور، شماره ۳ (۱۳۵۴)، ص ۵۵ - ۴۶؛ منظرشاه اوا واصل بیگم، «نوروز در بدخشان تاجیکستان»، چشم‌انداز، شماره ۱۳ (۱۳۷۶)، ص ۸ - ۳۶.

۲ احرار مختاروف، «مقدمه» بر کتاب غفوروف، تاجیکان، ص ۳۰.

۳ برتلس، ناصر خسرو و اسماعیلیان.

۴ ابوسعید شاه خماروف، پاسیر - کشور آریان (دوشنبه، بی‌تا، ۱۹۹۷).

شوقی که مانع از دقیق بودن یک کار علمی است در این باره به داوری نشست. وی آن را به شکل کتاب عجیبی که حاوی مقالاتی به چهار خط و زبان: زبان تاجیکی - خط کنونی ایران<sup>۱</sup>، زبان تاجیکی - خط کرلیک<sup>۲</sup>، زبان روسی - خط روسی<sup>۳</sup> و زبان و خط انگلیسی<sup>۴</sup> بود منتشر کرد. شاخماروف به هیچ روی به تأثیر آیین‌ها و مذاهب اسلامی از جمله فرقهٔ مخمسه - خطایه، شیعهٔ امامیه، تصوف و غیره در باورها و آداب مردم بدخشان توجهی نشان نداد و تحلیل‌های خود را تنها گه‌گاه با آموزه‌های ناصرخسرو قابل تطبیق یافت.

بدخشان از سوی پژوهشگران غربی دیرتر و بسیار کم‌تر مورد توجه واقع شد. یکی از علل آن را می‌توان عدم دسترسی به ساحل راست رود پنج که عمده‌ترین محل حفظ نسخ خطی بود به شمار آورد. بی‌گمان ناآشنایی با زبان روسی و عدم دسترسی به پژوهش‌های انجام‌شده به این زبان نیز از عوامل مؤثر در کم‌توجهی آنان بوده است. این دسته از پژوهشگران به هم‌زمان با برتری به بدخشان افغانستان توجه کرده‌اند. از برجسته‌ترین این پژوهش‌ها کار شش جلدی است که ظاهراً در اواخر قرن سیزدهم/نوزدهم انجام شده و لودویگ آدمک آن را با ویراستاری مفصل به‌روز درآورده است. این کتاب دربارهٔ جغرافیای افغانستان است و نویسنده یک - ملحد - کار خود را به بدخشان و ایالت‌های شمال شرقی افغانستان اختصاص داده است.<sup>۵</sup> کاری عمده‌تاً شامل مطالب جغرافیای طبیعی، راه‌ها، جغرافیای اقتصادی و مقدار کم‌تری جغرافیای انسان‌زیر می‌شود. کار برهان‌الدین کوشککی، نویسندهٔ افغانی، نیز در همین راستا صورت گرفت. اگرچه وی مطالب تاریخی را نیز در کار خود گنجانده است.<sup>۶</sup> کارهای محققان‌های دربارهٔ تاریخ سیاسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی و قوم‌نگاری افغانستان نیز انجام شده که در لابه‌لای آن به مطالبی دربارهٔ بدخشان افغانستان نیز پرداخته شده است. یکی از پژوهش‌هایی از این دست است که به زبان فارسی نیز ترجمه شده کتابی است به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی که با همکاری

۱ همان، ص ۲۹ - ۱.

۲ همان، ص ۱۵۲ - ۱۱۶.

۳ همان، ص ۳۰ - ۲، ۹۴ - ۵۸.

۴ همان، ص ۵ - ۳۱، ۱۱۵ - ۹۵.

۵ Ludwig W Adamac (ed), *Badakhshan Province and Northeastern Afghanistan* (Austria, 1972), vol. 1.

۶ برهان‌الدین کوشککی، *راهنمای قطن و بدخشان*، به کوشش منوچهر ستوده (بی‌جا، جهانگیری، ۱۳۶۷).

گروهی از مترجمان به ترجمه و انتشار مقالات پراکنده‌ای از این دست اقدام کرده است، اما به اسماعیلیان این دیار کسی توجه خاصی نشان نداده است، بلکه بیش‌تر توجه معطوف به ناصر خسرو شده است. از کسانی که به جست‌وجوی مزار او در یمگان برخاسته‌اند کار خلیل‌الله خلیلی، در گزارش خود از مزار وی و اسناد موقوفه‌های آن‌جا<sup>۱</sup>، حائز اهمیت است. مقاله محققانه‌ای نیز با عنوان بدخشان که در یکی از دایرةالمعارف‌ها درباره ایران نوشته شده کاری است در خور توجه که درباره جغرافیا، نژادشناسی و وجه تسمیه بدخشان انجام شده است.<sup>۲</sup> هم چنین در مقاله نسبتاً مفصل مدلونگ<sup>۳</sup> درباره اسماعیلیه نگاهی به بدخشان و اسماعیلیان این دیار نیز شده است، اما وی نیز به جهت دسترسی نداشتن به منابع و پژوهش‌های انجام‌شده در اتحاد جماهیر شوروی از کنار پرسش‌های مطرح‌شده در این کار و گاه با اشاره‌ای گذرا، مهم‌ترین مسئله گذشته است. ظاهراً تکیه وی بیش‌تر بر روی همان مقاله بارتولد و نوشته‌های ابوالفتح بوده است.<sup>۴</sup> چنان‌که هانری کوربن<sup>۵</sup>، محقق برجسته فرانسوی، نیز در اظهار نظرهای گذشته<sup>۶</sup> گریخته‌ای در این باره از همان نظریه‌ها الهام گرفته است.<sup>۷</sup> در دهه گذشته فرهاد دوسری، پژوهشگر برجسته ایرانی، نیز با انتشار کتاب دایرةالمعارف‌مانند خود درباره اسماعیلیه<sup>۸</sup> رفته‌ای عمده‌تأیید استناد به کارهای ابوالفتح و بارتولد بود که به داوری درباره اسماعیلیان بدخشان نشست.<sup>۹</sup> در سال‌هایی که وی به نوشتن کار خود مشغول بود، ظاهراً هنوز ارتباط با بدخشان تا به آسانی میسر نبود و به همین جهت نیز نمی‌توانست به دریافت جدید و متفاوتی از اسماعیلیه بدخشان دست یابد. در سال‌های اخیر نیز گبرئیل ون دن برگ<sup>۱۰</sup>، مربی بخش شرق‌شناسی دانشگاه کمبریج، درباره ادبیات مذهبی اسماعیلیان بدخشان کتابی نوشت. کار وی که بیش‌تر بر روی

۱ محمدحسین پاپلی یزدی (گردآورنده و سرپرست مترجمان)، *افغانستان: مجموعه مقالات*، ترجمه محمدحسین پاپلی یزدی و هوشنگ اعلم، (تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۶).

۲ خلیل‌الله خلیلی، «یمگان و وثائق تاریخی درباره ناصر خسرو»، یغما، شماره ۲۰ (۱۳۴۶)، ص ۴۷۶ - ۴۴۲.

۳ X. De Planhol and others, «Badakšān», *Eir* (1988), vol. III, pp. 355 - 360.

۴ Madelung.

۵ W. Madelung, «Ismā'īliyya», *EL* 2nd. Ed., vol. IV, pp. 198 - 206.

۶ H. Corbin.

۷ هانری کوربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه اسدالله مبشری (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲)، ص ۶ - ۱۲۴.

۸ دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۴۹۸ - ۳، ۵۳۲ - ۴، ۵۰۳ - ۴، ۵۵۳ - ۵۶۱.

۹ Gabrielle van den Berg.

۱۰ assistant lecturer.

جنبه‌های فولکلور متمرکز شده فاقد دیدگاه تاریخی یا نگرشی تحلیلی پیرامون اعتقادات این مردمان است.<sup>۱</sup> فرنک بلس<sup>۲</sup> نیز در دههٔ اخیر کتابی دربارهٔ تغییراتی که در وضعیت اجتماعی و اقتصادی بدخشان تاجیکستان رخ داده نگاشته است که موضوع آن با تاریخ مذهبی این دیار تفاوت بسیار دارد.<sup>۳</sup>

اما منابع اصلی این کار را می‌توان به دو دستهٔ متمایز فرقه‌ای و غیرفرقه‌ای تقسیم کرد. منابع غیرفرقه‌ای متأسفانه عمدتاً فاقد مطلب ارزشمندی دربارهٔ اسماعیلیان بدخشان، به‌خصوص از روزگاران پیش از قرن سیزدهم/نوزدهم، هستند و بیش‌تر به کار سنجش و نقد آگاهی‌های به‌دست‌آمده از منابع فرقه‌ای می‌خورد. قهر آگاهی نویسدگان غیرفرقه‌ای از وضعیت بدخشان بسیار حیرت‌انگیز است، زیرا با وجود آوازهٔ بدخشان در ادبیات کلاسیک، نویسندگان (اعم از ایرانی، عرب و ترک) به این دیار و به‌خصوص اسماعیلیان آنجا اشاره‌ای نشان نداده و کم‌تر مطلبی دربارهٔ آن‌ها ثبت و ضبط کرده‌اند. کتاب‌های قنوج در این باره ساکت هستند و خبری از فتح بدخشان به دست نمی‌دهند. در این میان کتاب‌های جغرافیایی تاریخی پیش از حملهٔ مغول مطالبی را که عمدتاً دربارهٔ موقعیت جغرافیایی، راه‌ها و بسیار به ندرت دربارهٔ اوضاع سیاسی یا مذهبی این سرزمین است گزارش کرده‌اند.<sup>۴</sup> زائران و جهان‌گردان چینی اگرچه اطلاعات گران‌بهای دربارهٔ مناطق شرقی ایران ایران به دست داده‌اند، اما اطلاعات آنان مربوط به روزگاران پیش از آمدن اعراب به این سرزمین‌ها می‌شود.<sup>۵</sup> از جهان‌گردان اروپایی، مارکوپولو در بارهٔ بدخشان گزارش‌هایی داده است.<sup>۶</sup> کلاویخو (اوایل قرن نهم/پانزدهم) نیز اگرچه خود به بدخشان نرفته، ولی با شاهان

1 Gabriell Rachel de la Berg, «Minstrel Poetry from the Pamir Mountains: A study on the Songs and Poems of the 'mā'fis of Gorno-Badakhshan», a PhD. Thesis to College van Dekanen (1997).

2 Frank Bliss.

3 Frank Bliss, *Social and Economic Change in the Pamirs: Gorno-Badakhshan, Tajikistan*, tr. by N. Pacult and Sonia Guss (London, Routledge, 2006).

۴ مهم‌ترین آن‌ها: ابن واضح یعقوبی، البلدان (نجف، حیدریه، دون ذکرالتاریخ)، ص ۵۴ و ۵۷، ۱۶۴؛ ابن خردادبه، المسالك والممالك (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸)، ص ۴۳ و ۱۵۳؛ گمنام، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده (تهران، زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۱؛ اصطخری، المسالك والممالك، تحقیق محمدجابر عبدالعال الحسینی (الجمهوریه العربیه المتحده، دارالعلم، ۱۹۶۱)، ص ۶-۱۵۵، ۱۶۷؛ ابن حوقل، صورة الارض (بیروت، دارالمکتبه الحیاء، دون التاریخ)، ص ۳-۳۷۱، ۳۹۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان (بیروت، دار صادر، ۱۹۷۷)، ج ۱، تحت عنوان «بدخشان».

5 Si - Yu - Ki, *Buddhist Records of Western World*, tr. by S. Beal (London, Trubner & Co, 1884).

6 Marco Polo, *The Book of Ser Marco Polo*, tr. by H. Hale (N.Y. Charles Scribner's sons, 1929), vol. I, p. 157 - 160.

این دیار گفت‌وگویی را گزارش کرده است.<sup>۱</sup> همچنان که سفرنامه‌نویسان قرن‌های جدید بیش‌تر متوجه مطالب جغرافیایی و سیاسی این مناطق بوده‌اند، تا اوضاع اجتماعی یا مذهبی این دیار. به‌خصوص که سده‌های سیزدهم و چهاردهم/نوزدهم و بیستم مصادف بوده است با بسط قدرت دو دولت استعماری روس و انگلیس در این صفحات و از این روی بیش‌تر توجه‌ها معطوف به مسائل سیاسی شده است.<sup>۲</sup>

تاریخ‌های عمومی ایران نیز از این جهت بسیار فقیر هستند. جز چند اشاره مربوط به دوران پیش از مغول، تنها در روزگار تیمور و جانشینان وی است که مورخان به بدخشان و شاهان آنجا، آن هم البته در پی‌گیری مسائل سیاسی خاندان تیموری، توجه کرده‌اند. این وضعیت به روزگار ابوسعید تیموری و حمله او به بدخشان و برانداختن سلسله شاهان محلی آن دیار به اوج می‌رسد.<sup>۳</sup> پس از وی نیز چند تن از احفادش در بدخشان حکومتی نیمه‌محلی به وجود آوردند که از جهت ظاهری از شاهان گورکانی دهلی تبعیت می‌کردند و سرانجام به دست اربکان از آنجا رانده شدند. در دوران کوتاه حکومت آن‌ها، مورخان تاریخ‌های عمومی و تک‌نگاری‌های سلسله‌های تیموری، گورکانی و اوایل صفوی به بدخشان توجه نشان داده‌اند.<sup>۴</sup> اما همان‌ها نیز هیچ سخنی دربارهٔ اوضاع اجتماعی یا مذهب ساکنان این دیار بر زبان نبرده‌اند. پس از ضمیمه شدن بدخشان به حکومت

۱ کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجینیا (تهران: ترجمه نشر کتاب، ۱۳۳۷)، ص ۲۷۷.

۲ برای آگاهی از نام نخستین کسانی که در اواخر قرن سیزدهم/اوایل قرن چهاردهم، بیستم به این دیار سفر کردند. رک: موزر، سفرنامه ترکستان و ایران، ص ۸.

۳ Н. Касымов, "Эпиграфические Памятники Памира", Памироведение, Душанбе, 1984, Выпуск 1, стр. 10-13.

۴ حافظ آبرو، زبده التواریخ، به کوشش سید کمال حاج سید جواد (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲)، ص ۲، ص ۸۱۹؛ غیاث‌الدین خواندمیر، حبیب‌النسیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی (تهران: خیام، ۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۶۰۳؛ عبدالاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به کوشش محمد شفیع ایم - ای (لاهور: گیلانی، ۱۹۴۹)، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴ میرخواند، مآثر الملوک، به کوشش میرهاشم محدث (تهران: رسا، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۱؛ حسن بیگلربیگی، احسن‌التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: بابک، ۱۳۵۷)، ص ۲۳، ۱۴۷ و ۳۱۴؛ خواندمیر، حبیب‌النسیر، ج ۴، ص ۸ - ۹۶، ۲۰۰، ۲۴۲، ۳۲۲، ۵۱۶، ۵۷۸؛ قاضی احمد تتوی و آصف خان قزوینی، تاریخ‌القی، به کوشش علی آل‌داود (تهران: فکر روز، ۱۳۷۸)، ص ۲۴۵، ۳۳۷؛ قاضی حسینی قمی، خلاصه التواریخ، به کوشش احسان اشراقی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹)، ج ۱، ص ۱۱۸؛ گمنام، عالم‌آرای شاه اسماعیل، به کوشش اصغر منتظر صاحب (تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹)، ص ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۰۱ و ۴۱۶؛ عبدی بیک شیرازی، تکملة الاخبار، به کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: نشر نی، ۱۳۶۹)، ص ۵۰ - ۱۴۸؛ قاضی احمدغفاری، تاریخ جهان‌آرا (تهران: حافظ، ۱۳۴۳)، ص ۲ - ۲۴۱؛ ملک‌شاه حسینی، احیاءالملوک، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴)، ص ۲۶۶؛ اسکندر بیک منشی ترکمان، عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵)، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۶، ج ۲، ص ۶۳۲.

ازبکان، بار دیگر سکوت منابع ادامه پیدا کرد و تنها در یک مدت کوتاه به روزگار شاه عباس صفوی که پس از درگیری با ازبکان سپاهیان در شمال افغانستان به تعقیب آنان پرداختند اشاره‌های کوتاهی در منابع ایرانی، هندی و حتی نامه‌های ردوبدل‌شده میان سلاطین گورکانی و صفوی در این خصوص دیده می‌شود.<sup>۱</sup> پس از واگذاری رسمی این ایالات از سوی گورکانیان به ازبکان<sup>۲</sup>، بار دیگر دوران بی‌خبری منابع تاریخی از بدخشان آغاز می‌گردد. سپس با ظهور افغانان و به‌خصوص سردار عبدالرحمان خان درانی و لشکرکشی‌ها و فرار و بازگشت او به بدخشان، مورخان این دوره به ثبت و ضبط اقدامات<sup>۳</sup> در بدخشان می‌پردازند.<sup>۴</sup> سرانجام با توجه دو دولت روسیه و انگلیس به این مناطق و تقسیم آن در سال ۱۸۹۵/۱۳۱۳ میان خود، توجه بسیاری از جمله مأموران سیاسی غربی به این قایع جلب می‌شود.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر بدخشان در تاریخ‌های عمومی و تک‌نگاشته فقط در دوران‌هایی مطرح شده است که به نحوی حکومت‌های مجاور در آنجا دخالت یا ریت پیدا کرده‌اند و از این رهگذر نور کم‌رنگی به تاریخ بدخشان افکنده شده است، ولی حتی در این روزگاران نیز کسی به مذهب و آداب اجتماعی این مردمان توجهی نکرده است. بنابراین تا تاریخ‌های محلی باقی می‌ماند یا تک‌نگاری‌هایی که دربارهٔ سلسله‌های محلی این منطقه نوشته شده است.

از چند تاریخ محلی یا تک‌نگاری‌هایی این چنین که تاکنون باقی مانده‌اند، یکی تاریخ بدخشان سنگ محمد بدخشی است که تاریخ سلسله محلی میران بدخشان را از بدو تأسیس تا سال ۱۲۳۳/۱۸۸۰ شرح داده است. ادامهٔ آن را نویسندهٔ محلی دیگری به

۱ ملال جلال منجم، تاریخ عباسی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا (تهران، وحب، ۱۳۶۰)، ص ۲۲۰؛ عبدالحسین نوایی (گردآورنده)، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ج ۳، ص ۳۴۶؛ محمود افوشتمای نطنزی، نقاره‌الآثار، به کوشش احسان اشراقی (تهران، بنیاد ترجمه و نشر، ۱۳۸۰)، ص ۵۵۶.  
۲ عبدالحمید لاهوری، پادشاه نامه، تصحیح کبیرالدین احمد و عبدالرحیم متعلقین (کلکته، کتا، پریس، ۱۸۶۸)، ج ۲، ص ۴۲-۵۲۵، ۵۷۲، ۵۷۷، ۵۹۵-۶، ۶۳۷، ۵۰، ۶۴۴، ۱۲-۷۱۱.

۳ محمد خان درانی، تاریخ سلطانی (بمبئی، چاپ سنگی، ۱۲۹۸ ه. ق.)، ص ۱۲۴؛ محمد انورنیر هروی، لشکرکشی‌های احمدشاه درانی (کابل، انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۴۸)، ص ۶۱؛ فیض محمدکاتب هزاره، سراج‌التواریخ (تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات بلخ، ۱۳۷۲)، ج ۱، ص ۱۷، ۲۱، ۵۷-۵۶، ج ۲، ص ۹-۵۳، ۸۸-۸۲، ۱۴۳، ۶-۲۳۵، ۲۴۵-۲۴۶؛ عطا محمد شکارپوری، تازه نوای معارک، به کوشش عبدالحی حبیبی (کراچی، انجمن ادبی سند، ۱۹۵۹)، ص ۷۷۴؛ محمود حسینی منشی جامی، تاریخ احمدشاهی، به کوشش دوست مراد سیدوف (مسکو، دانش، ۱۹۷۴)، ج ۲، ص ۱۱-۱۲۰۹؛ عبدالرحمان خان، حالات امیر عبدالرحمان خان (مشهد، چاپ سنگی، ۱۳۱۹ ه. ق.)، ص ۷۹-۲۳۸، ۲۲-۳۹۸، ۳۲۰.

نام میرزا فاضل (فضل علی) بیک سرخ افسر بر عهده گرفته و وقایع دوران حکومت میران بدخشان را تا سال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ رسانده است.<sup>۱</sup> هر دو مؤلف یادشده ظاهراً اهل سنت بوده و گذشته از این که کاملاً به وقایع سیاسی پرداخته‌اند به ندرت ذکری از اوضاع اجتماعی و مذهبی بدخشان کرده‌اند. از آن جا که کتاب دربارهٔ میران بدخشان نوشته شده است که آن‌ها نیز خود سنی و از پیرزادگان (ظاهراً نقشبندیه) ده‌بید سمرقند بوده‌اند<sup>۲</sup> و بر بدخشان اصلی که ساکنانش عمدتاً در آن روزگار نیز سنی بودند حکومت کرده‌اند، بنابراین، این نویسندگان به اسماعیلیان توجهی نشان نداده‌اند و جز در یک مورد که سنگ محمد بدخشی از «شیعة شنیعة باطله اسماعیلیه» در «چترارات و بدخشانات» نام برده<sup>۳</sup>، دیگر ذکری از آنان نشده است. تنها اشاره‌هایی به روابط سیاسی میران بدخشان و شاهان شغنان شده است که البته به هیچ روی از مذهب این شاهان نیز یادی نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد که تک‌نگاری‌های دیگری نیز دربارهٔ امرای محلی اطراف بدخشان مانند میران قطغن و دروند و بود داشته که منبع کار برهان‌الدین کوشکی در تألیف تاریخ این دو منطقه قرار گرفته است. اگرچه اصل این تک‌نگاری‌ها به دست نیامد، اما از همان مختصری نیز که کوشکی در کارش آورده است برمی‌آید که حاکمان و همچنین مردمان تحت سلطهٔ سلسله‌های محلی یادشده همگی اهل سنت بوده و از این روی تاریخ‌های محلی آن‌ها نیز فاقد توصیفی دربارهٔ اسماء بیان سرزمین مجاور بوده است. در حالی که به نظر می‌رسد تاریخ‌هایی را که دربارهٔ «تاز» نوشته شده است باید در زمرهٔ منابع فرقه‌ای به شمار آورد که در جای خود از آن‌ها سخن نوازه رفت، مگر تاریخچهٔ کوچکی دربارهٔ شغنان که در همان کار کوشکی آورده شده، البته شمرتر مربوط به کشمکش افغان‌ها با شاهان شغنان است.<sup>۴</sup> در این کار نیز هیچ مطلبی دربارهٔ اسماعیلیهٔ این دیار نیامده است. غیر از این‌ها در کتاب‌های تذکرة الشعراها بسیار به نام بدخشانی برمی‌خوریم که از بدخشان به مناطق دیگر و عمدتاً به دربار شاهان دهلی رفته و طرف

۱ سنگ محمد بدخشی، تاریخ بدخشان، به کوشش منوچهر ستوده (بی‌جا، جهانگیری، ۱۳۶۷)، ص ۹۵.

۲ همان، ص ۲.

۳ همان، ص ۳۷.

۴ کوشکی، راهنمای قطغن و بدخشان، ص ۱۵ - ۱۱ و ۲۲۳ - ۲۲۸.

۵ همان، ص ۲۲۳ - ۲۱۶.

توجه واقع شده‌اند، اما در این کارها نیز به مذهب آنان اشاره‌ای نشده است. در هر صورت از این دسته از منابع نیز آگاهی چشم‌گیری به دست نمی‌آید، مگر در جهت تعیین هویت برخی از شخصیت‌های اسماعیلی که از وجودشان از طریق منابع فرقه‌ای آگاهی نسبی یافته‌ایم، همان‌گونه که از تذکره‌العرفاها نیز چنین استفاده‌ای می‌توان کرد.

اگرچه کتاب‌های ملل و نحل فراوان به اسماعیلیان سایر مناطق پرداخته‌اند، اما دربارهٔ پیروان این فرقه در بدخشان جز معدودی آن هم در اشاره به ناصر خسرو یادی نشده است. اطلاعاتی که این منابع به‌خصوص آن دسته از این کتاب‌ها که نویسندگان شیعی بوده‌اند، مانند نوری و اشعری قمی<sup>۱</sup>، دربارهٔ فرقی که اسماعیلیه نخستین را تشکیل می‌دادند، مانند مخمسه و خطابه، به دست داده‌اند بسیار به کار ارزیابی باورهای اسماعیلیان بدخشان و خصوصاً تحلیل مطالب سدرج در مقدس‌ترین کتاب آنان، یعنی «ام‌الکتاب»<sup>۲</sup>، می‌خورد. در فقدان آثاری از عتبات شریعتیه<sup>۳</sup> دوم/هشتم آگاهی‌های این منابع اگرچه احتمالاً خالی از غرض نیست، اما منحصر به فرد ارزیاشند است و در مقایسه با اعتقادات منعکس شده در «ام‌الکتاب» و برخی روایت‌های با مانده در کتاب‌های دیگر این منطقه چندان هم گزاف و به دور از واقع به نظر نمی‌رسد. اما به نویسندگان این کتاب‌ها و نه نویسندگان دیگر از باورهای اسماعیلیان بدخشان آگاهی درست داشته‌اند تا آن‌گونه که معمول روزگار بود رده‌ای بر آن بنویسند.

بنابر آن‌چه دربارهٔ منابع غیرفرقه‌ای گفته شد، باید گفت که اگر کسی بخواهد بر پایهٔ این منابع دربارهٔ اسماعیلیان بدخشان به پژوهش بپردازد، به هیچ چیز به دست نخواهد آورد، در حالی که استفاده از منابع فرقه‌ای نیز اگر با دقت و تقاضای عمده نباشد، به کسب حقایق تاریخی منجر نمی‌گردد. منابع فرقه‌ای از جهت موضوع به چهار دسته تقسیم می‌شوند، اگرچه در یک پژوهش تاریخی کتاب‌ها و رساله‌هایی با موضوع تاریخ در صدر قرار می‌گیرد، اما تعداد این کارها کم و عمدتاً شامل تاریخ سیاسی قرن یازدهم/هفدهم به بعد می‌شود. از آن جمله می‌توان از کار حیدر میرزا شغنانی که با نام «تاریخ شغنانی» نوشته است

۱ ابومحمد الحسن بن موسی التوبختی، فرق الشیعه، صحفه محمدصادق آل بحر العلوم (نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۹۵۹).

۲ سعد بن عبدالله الاشعری القمی، کتاب المقالات والفرق، صحفه محمدجواد مشکور (تهران، عطایی، ۱۹۶۲).

۳ متن این نسخه دست‌نوشته را می‌توان در مقاله زیر یافت.

یاد کرد و همان گونه که پیش تر یاد شد، سیمونوف این کار را با افزودن توضیحات و برخی از آگاهی‌های دیگر در تاریخ ۱۳۳۶/۱۹۱۷ به زبان روسی ترجمه و در مسکو به چاپ رسانید. موضوع این کتاب عمدتاً دربارهٔ تاریخ سلسلهٔ شاهان شغنان است که مطابق روایت‌های محلی از نسل شخصی به نام شاه خاموش بودند. این کتاب که در واقع از گردآوری روایت‌های محلی قدیمی تر فراهم آمده مأخذ کار نویسندگان دیگر قرار گرفته است. از آن جمله کتاب تاریخی دیگری است که به اشتباه نام تاریخ بدخشان بر آن گذارده شده، در حالی که مطالب آن هم دربارهٔ تاریخ شغنان است. نویسندگان این کتاب عبارت بوده‌اند از قربان محمدزاده، محبت شاهزاده، آخوند سلمان (سلیمان) و سید شاه فطوری.<sup>۱</sup> اسکندروف در مقدمه<sup>۲</sup> بر این کتاب یادآوری کرده است که شخصاً در سال ۱۳۳۱ خ/ ۱۹۵۲ با قربان محمدزاده و محبت شاهزاده دیدار کرده است. وی هر دوی آن‌ها را از معلمان مدارس پامیر به نام یارو بیگ خود را از مکتب‌های خانگی فرا گرفته بودند معرفی کرده است. قربان محمدزاده در این باره بیگ خود را روایات شفاهی که از پیران محلی به دست آورده، به علاوه رسالهٔ سید فرخ شاه<sup>۳</sup> همان کار میرزا حیدر شاه شغنانی برشمرده است.<sup>۴</sup> بدین ترتیب کار وی مجموعه‌ای بوده است از روایات گوناگون محلی، اما این کتاب به‌خصوص در ذکر سال‌های به دست داده شده، در مقایسه با تاریخ‌های جسته و گریخته‌ای که از سنگ‌نبشته‌های موجود در این ناحیه به دست می‌آید، مغشوش است و باید با احتیاط پذیرفت. از چهار دفتر (فصلی) که این کتاب را تشکیل می‌دهد سه دفتر آخر که شامل «تاریخ شهن شاهان» (از نیمه‌های قرن سیزدهم/ نوزدهم به بعد)، «تاریخ افغانستان» (منظور حاکمیت افغانان در شغنان) و «زمان نیکلای» است مشروح‌تر بوده و از این روی جزئیات بیش‌تری را مطرح کرده است.<sup>۵</sup> در حالی که دفتر نخست در واقع گردآوری روایت‌های اسطوره‌مانند دربارهٔ مؤسس و چگونگی تشکیل حکومت شاهان شغنان است.<sup>۶</sup> متأسفانه در این کار نیز به مذهب اهالی و شاهان شغنان اشارهٔ مستقیمی نشده است.

۱ قربان محمدزاده، تاریخ بدخشان.

۲ اسکندروف، «مقدمه» (به زبان روسی) بر کتاب فوق، ص ۷-۶.

۳ همان، متن اصلی، ۲۰۶-۹۴.

۴ همان، ص ۹۴-۸۷.